

نمی‌شود اسم این تجربیات و مشاهدات شخصی را اقتباس دانست. اتفاقا اقتباس از مقوله‌های مهم و موردنیاز سینمای ایران است و اگر نویسندگان و کارگردانانی که خلافت و دانش این کار را دارند، سراغ آن بروند نتایج خوبی حاصل می‌شود. مثلا شما «خوشه‌های خشم» را ببینید که جان فورد چگونه از داستان جان اشتاین یک اقتباس می‌کندو معادل‌های تصویری درخشانی برای کلمات نویسنده درنظر می‌گیرد و واقعا یک پلان او کار ۱۰ صفحه رمان را انجام می‌دهد. چرا فورد اقتباس خوبی از رمان اشتاین یک کرده است؟ چون او به‌عنوان فیلمساز، درد مشترکی با نویسنده دارد. بنابراین سینماگر و فیلمسازی هم که اقتباس می‌کند، باید درد مشترکی با نویسنده و کتاب داشته باشد.تنها در آن صورت است که محتوای مهم وگردن‌کلفت‌کتاب در فیلم و پشت پلان‌ها حس خواهد شد. دست ناپیدا به‌ویژه برای آدم‌هایی از این جنس که چنین فضایی را دیده و درک و فهم کرده‌اند، ملموس و آشناست. آن مخاطبانی که بوی خون و عطر را حس کردند و خستگی این زنان ایناگر را دیدند، زنان فیلم دست ناپیدا را هم می‌فهمند. زنانی که دست‌شان از خرده استخوان‌های جامانده در لباس‌ها زخمی می‌شود اما به جای این‌که آخ بگویند، صلوات می‌فرستند. همه اینها تنها چند کاسه آب از دریای خروشان جنگ تحمیلی ودوران دفاع مقدس است که ما برداشتیم. درحالی‌که ماجراها و ایثار و جانفشانی‌های بسیاری برای روایت در این زمینه وجود دارد. حاج‌قاسم می‌گوید که بزرگ‌ترین جنایت، جنایت کسانی است که در جنگ بودند، آن را دیده‌اند و به نوعی با آن در ارتباط بودند اما سکوت می‌کنند و از این دنیا می‌روند. نسلی مثل ما که در جنگ بود، دوست دارد این روایت‌ها را در قالب فیلم ثبت کند اما مسئولان فرهنگی هم باید پای کار باشند و دست هر سینماگر دغدغه‌مند در این حوزه را بگیرند و برای تولید این آثار از آنها حمایت کنند. چرا تماشاگر امروز ما که بخشی از آن مربوط به همان نسل جنگ است، باید مخاطب فیلم‌های مبتذل باشد؟ در حالی که درد و زخم‌های سینمای امروز ایران را فقط ارزش‌های دفاع مقدس التیام می‌بخشد. سینمای دفاع مقدس هم محدود به یک فضا نیست و می‌توان به هر شکلی از جمله کمدی، پلیسی، خانوادگی، عاشقانه و... در آن کار و اثر جذاب تولید کرد. وقتی خوراک فرهنگی مناسبی به نسل جوان نداده‌ایم، چه توقعی از آنها داریم؟ چه چیزی از انقلاب و دفاع مقدس به آنها گفته‌ایم؟ اصلا به آنها گفته‌ایم که انقلاب ما، فرهنگی‌ترین انقلاب دنیاست؟ حضرت امام (ره) که با تانک و توپ مقابل نوکران آمریکا انقلاب نکرد، بلکه با مسأله فرهنگی به میدان آمد و همین هم باعث مشارکت گسترده و انقلابی طیف‌های مختلف مردم شد اما حالا فرهنگ ما میراث‌داران آن میراث فرهنگی را هدف گرفته‌اند. کسانی که می‌خواستند انقلاب را منحرف کنند، وقتی تیرشان به سنگ خورد، از راه ابتدال وارد شدند تا نسل جوان را از انقلاب دور کنند، چون چاقوی ابتدال بسیار برنده‌تر از چاقوی ترور و تیرتر از هر بمبی است. جذب مخاطب بسیار مهم است اما باید سلیقه مخاطب را با ساخت فیلم‌های جذاب فرهنگی تربیت کرد، ارتقا داد و دستش را گرفت. وقتی خوراک سالم و مناسب به تماشاگر ندهید، معلوم است که سراغ ساندویچ‌های مسموم می‌رود.

۹] البته فکر کنم حجم تعداد آثار درباره شهدا و دفاع مقدس در این دوره، باعث رضایت شما و جزو نقاط امیدبخش باشد.

الحمد... به شدت امیدوارکننده است. خوشبختانه از دولت سیزدهم، ورق برگشته است. اگر سرریز ناخوشایند آثار قبل از آن خشکیده شود، اتفاقات خیلی خوبی در سینمای ایران رقم خواهد خورد. یکی از امیدواری‌های من همین جشنواره امسال فیلم فجر است. فیلم‌ها به شدت متنوع و جنس کارها فارغ از ضعف و قوت، متفاوت است. امیدوارم حمایت برای تولید چنین آثاری ادامه داشته باشد و یا به هم‌پیوستن این جزیره‌های کوچک، جریان مستمر فرهنگی خوبی ایجاد و مخاطبی تربیت شود که از سال آینده خودش متقاضی فیلم‌های انقلابی و در تراز انقلاب باشد.

۹] با توجه به این میزان فیلم با مضامین ارزشمند و انقلابی، رقابتی‌تان هم برای دریافت سیمرغ زیاد است.

بله. البته من همیشه اهل رقابت بودم، چون جنگجو هستم. حتی آن روزهایی که درس نمی‌خواندم، روزهای امتحان را خیلی دوست داشتم! بنابراین هرقد، فیلم‌های دوستان آثار خوبی باشد، من هم استقبال می‌کنم. دلم می‌خواست امسال ۲۰ فیلم دفاع مقدسی داشته‌یم. اتفاقا در این صورت رقابت لذت بخش‌تر می‌شود. اگر این اتفاق بیفتد و فیلم‌های جذاب و باکیفیتی در زمینه دفاع مقدس و دیگرگونه‌های سینمایی در جشنواره فیلم فجر داشته باشیم، سینماگران دیگر چندان به جایزه اهمیت نمی‌دهند و نفس آن حضور و رقابت و ارتباط با مخاطب مهم می‌شود. ما به یک فرهنگی می‌رسیم که دیگر تماشاگر نمی‌گوید در اکران حتما به دیدن آن فیلمی بروم که در جشنواره جایزه گرفته است. مخاطب به مرحله‌ای از انتخاب می‌رسد که این انتخاب هم از آگاهی می‌آید. آگاهی هم از خردمندی می‌آید. خردمندی هم در ذات همدردی است. البته جشنواره و تشویق جوانان و فیلمسازان بزر اتفاق خیلی خوبی است و می‌تواند باعث ایجاد انگیزه و فضایی بانشاط در سینمای ایران شود. جشنواره امسال حرکت خوبی را شروع کرد که امیدوارم تداوم پیدا کند و هرلحظه به سرعت این قطار اضافه شود.

۹] به عنوان تنها فیلمساز زن جشنواره فیلم فجر، باری روی دوش‌تان حس نمی‌کنید؟

چرا. البته من تحقیق کردم و دیدم هیچ‌کدام از همکاران خانم امسال فیلم نداشتند اما خودم سعی می‌کنم نماینده خوبی برای آنها باشم.

۹] در مصاحبه‌ای، تصویری دیدم شعری از مولانا خواندید که نشان می‌داد اسم فیلم‌تان از آنجا آمده است: «دست ناپیدا گریبان می‌کشد/ من بی دست و گریبان می‌روم». این شعر در ترکیب با محتوا و قصه فیلم‌تان خبر از پل و پیوندی میان شعار و عمل انقلابی می‌دهد.

بله. آفرین! سعی کردم هر چیزی که بالقوه بود را در این فیلم به فعل و مرحله عمل برسانم. برای همین بیت مولانا را به این شکل تغییر دادم: «دست ناپیدا گریبان می‌کشد/ عاشق خود را به میدان می‌کشد» که اشاره به بحث حضور در میدان عمل دارد. خوشبختانه خداکمک کرد و حرف‌های خوبی در این فیلم می‌زنیم که امیدوارم به جان تماشاگر هم بنشیند.

#### برش



## یاران «دست ناپیدا»

**دست ناپیدا** به نویسندگی و کارگردانی انسیه شاه‌حسینی و تهیه‌کنندگی سیدسعید سیدزاده و محصول مشترک بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد سینمایی فارابی و شرکت توسعه اقتصاد هنر آتیه است که بازیگرانی چون معصومه بافنده، نسرين احمدخانی و حسین پوربیده در آن بازی می‌کنند. برخی عوامل این فیلم سینمایی عبارتند از: مدیر فیلمبرداری: عیدا... عیدی‌نسب، صدابردار: احسان نویخت، طراح صحنه و لباس: انسیه شاه‌حسینی، طراحی و ترکیب صدا: آرش قاسمی، تدوین: کاوه ایمانی، طراحی چهره‌پردازی: نازنین سرابی، مدیر تولید: امیر نصیرزاده، جلوه‌های ویژه بصری: حسن ایزدی، جلوه‌های ویژه میدانی: حمید رسولیان، عکاس: حافظ احمدی و موسیقی متن: مسعود سخاوت‌دوست.



برای دیدن تیزر فیلم دست‌های ناپیدا کلیک کنید



#### یکشنبه

۱۴۰۲ بهمن ۱۴۰۲

شماره ۶۶۹۹

#### کوتاه‌نویشته

### روز دوم، شاید بهترین روز باشد

**پس از چیدمان جدول نمایش فیلم‌ها در خانه جشنواره، غالباً حساب و ویژه‌ای برای روز دوم باز کرده بودند تا حدی که برخی می‌گفتند بعد از نمایش فیلم‌های روز جمعه تقریباً جشنواره تمام است اما هر سه فیلم پرسروصدای پیش‌تر از این‌، در حد انتظارها ظاهر نشدند ولی در مجموع روز خوبی بود.**



محمدتقی فهیم گروه فرهنگ و هنر

#### قمارخانه سودآور؛ «تمساح خونی»



بزین و یکوب و تعقیب و گریز بایبودی و نه در گونه استاندارد «گای ریچی»، همه فیلم «تمساح خونی» ساخته جواد عزتی است. البته در گرایش کمدی اش، بالاخره خنده هم می‌گیرد، رویکردی در زانتر که گیشه را به نفع سازندگان فیلم رونق خواهد بخشید. اگر قرار باشد بین عزتی کارگردان و جواد بازیگر امتیازبندی کنیم، همچنان حضور عزتی در مقام بازیگر غالب است. درواقع کارگردانی هم زیر سایه بازیگری است. این‌که عزتی فرمول ثابتی در اندام و بیان و میمیک دارد و از آثارش، به‌خصوص «دردسر عظیم» می‌آید، قاعدا تا اشکالی ندارد و حتی حفظ ویژگی‌هایی که مورد پسند قرار گرفته می‌تواند همواره در سینما کار کند که در همین فیلم هم جواب داده است اما در بقیه اجزای کار همه چیز کهنه است؛ از قاب‌های شکسته‌پسته تا میزآسن‌های بی‌خودی و شلوغ و ... مگر قمارخانه که علی‌رغم تمام جعلیات و اغراق‌های اجرایی‌اش با موسیقی پر حرحم متال و... در این حد و میزآسن، برای اولین بار است که در سینمای پس از انقلاب وارد قصه و درام شده است؟ تا آنجا که تیزر از هم با المان‌های قمارخانه طراحی شده است یک جور تابوشکنی. کست بازیگری بر تعداد فیلم به جز چهار نفرشان، بقیه بلااستفاده یا بهتر این‌که اغلب‌شان آکسسوار صحنه هستند. عباس جمشیدی‌فر زیادی اغراق می‌کند و باعث خلط در شیمی بین خود و عزتی می‌شود. ولی سرآمد فرعی‌ها، سعیدآقاخانی است. او به‌درستی قهرمان اصلی و سوار بر بقیه، یک‌تنه اتمسفر صحنه را بالا می‌کشد.

#### یکی بود یکی نبود خواب‌آور؛ «تابستان همان سال»



فیلم «تابستان همان سال» ساخته محمود کلاری، فیلمبردار استخوان‌خردکرده سینمای ایران است. از نام فیلم پیداست که با اثری نوستالژیک طرفیم. در این‌که فیلم خوب یعنی قصه خوب داشتن شکی نیست، اما حتی قصه خوب و عالی هم نهایتاً متنی ادبی یا رادبویی بیش نیست، پس برای تبدیل به فیلم خوب مؤلفه‌های قدرتمند دیگری نیز لازم است تا به دل نشینند و ماندگار شود. تابستان همان سال در قالبی قصه‌گوی شاه‌پیرنگ است، قصه‌هایی که با یکی بود یکی نبود شروع شده و ادامه می‌یابد. داشتن تریشن هم بر این قصه‌گو بودن تصریح دارد. فیلم کلاری علاوه بر قصه، طراحی صحنه و لباس خوبی هم دارد، در عین این‌که از فیلمبرداری قابل قبول با رنگ آمیزی خاطره‌سازی و قاب‌های ناشی از دوربین باوقار هم جزو قوت‌های اثر است. اما همه اینها وقتی کتش و ریتم و نقاط عطف پیش‌برنده‌ای در کار نباشد، ضعفش غالب می‌شود. درواقع فیلم کلاری اصلا شروع نمی‌شود و کاملاً در عرض متوقف است. بازی‌های معمولی هم مضاف بر قضیه است. شاید بتوان بازی رایان سرلک (پرسپچه) را جدی‌تر پذیرفت. مهران مدیری گریمش متفاوت است و گرته اکت و تحرک متفاوتی از او نمی‌بینیم. زن‌ها، یعنی سمیرا حسن‌پور و فریبا نادری در فضای سرد و میزآسن‌های ایستا، یخ‌زده‌اند.

#### جولتاز «علفزار»؛ «بی‌بدن»



فیلم «بی‌بدن» ساخته مرتضی علیرزاده در راستای «علفزار» فیلم اول نویسنده بی‌بدن، یعنی کاظم دانشی ساخته و پرداخته شده است. خوبی دانشی این است که در جزئیات پیرونده‌های جنایی/ قضایی تسلط یافته و به تعبیری این‌کاره شده است. فیلم علیرزاده در ساختار از فیلم علفزار پیروی می‌کند، یعنی افتتاحیه‌ای که ربط مستقیمی با داستان اصلی ندارد اما سوسپانس را می‌کارد و تا آخر هم بر تاروپود اثر جاری است. قصه براساس ماجرابی واقعی است و این یعنی داستان لو رفته اما بلدی تیم در رویکرد فرمیک باعث شده تا مخاطب کار را دنبال کند. ویژگی فیلم در موضوع قصاص، شاید برای اولین بار است که همذات‌پنداری دوار است و میان قاتل و مقتول می‌چرخد اما وجه غالب همدردی تماشاگر با خانواده مقتول است و بعضاً دادگاه ذهن مخاطب، حق را به مقتول می‌دهد. فضای کلی دلپره‌آور در تکنیک متوقف نمی‌شود تا فرازهایی که وارد پیروسه افشاگری اجتماعی و نقد هیجانات فضای مجازی هم می‌شود.